

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان
برگردان از: سیلویا بیژن-یان-Bejanian Sylvia
۱۱ اکتوبر ۲۰۱۸

ملل متحد: تولد جهان پسا غرب

در جلسه عمومی ملل متحد تصور می رفت، میان موافقان و مخالفان ترمپ، برخورد تندی روی دهد. اما اتفاقی خلاف انتظار همه پیش آمد. در حالی که چندین کشور، از جمله فرانسه، روش های صدر نشین کاخ سفید را محکوم می کردند، روسیه از ائتلاف غربی پرده برداشت. به گفته مسکو، بزرگترین مشکل کنونی، اراده کشورهای استعمارگر گذشته، در حفظ سلطه خود بر تمامی جهان است و برای گذشتن از این بحران، ائتلافی نوین به وجود آمده

ولتر شبکه / دمشق (سوریه) // ۹ اکتوبر ۲۰۱۸



جلسه ۷۳ وین جلسه عمومی ملل متحد

به عکس ظواهر، صف آرائی کشورها، رهبران دولت ها و وزرای امور خارجه در جلسه عمومی ملل متحد، بی نتیجه نبود. هر چند، اغلب این کشورها حرفی برای گفتن نداشتند، و نظر به آرای عمومی ملت خود، بی کفایتی سازمان ملل را مورد انتقاد قرار می دادند و خواهان احترام گذاشتن به حقوق خود بودند. با این وجود، بسیاری از مداخلات ملل متحد، توانست در اثر این اجلاس ها ثمر بخش باشد: مانند حل خطوط مرزی میان برخی کشورها و تضمین صلح آنها.

سه روز نخست این اجلاس، متأثر از بیانات دونالد ترامپ، پاسخ های امانوئل ماکرون و حسن روحانی بود. اما ، در روز چهارم ، پس از ورود سرگئی لاوروف به تریبون و نشان دادن نقشه جهان پسا غرب، تمام گفته ها، مانند بلور شکسته ای ، هزار تکه شد .

حرکت نوسانی جهان به گفته دونالد ترامپ

خطابه های پرزیدنت ترامپ ، عموماً بسیار مخدوش اند، اما خلاف همیشه، این بار متن بسیار مدونی آمده کرده بود [1]. او خلاف رؤسای جمهور سابق ایالات متحده ، بر "استقلال و همکاری" تأکید ورزید و آن را به جای "حکومت ، کنترل و سلطه بین المللی" بر شمرد (به بیان دیگر : منافع ملی را برتر از منافع امپریالیزم امریکائی دانست) . و سخنان خود را با نحوه تغییر این سیستم عامل، به این صورت ادامه داد :

■ ایالات متحده، هرگز جنگ تجاری علیه چین اعلام نکرده، اما در حال برقراری تعادل مالی در پرداخت ها می باشد . در عین حال ، خواهان برقراری بازاری بین المللی است که بر پایه رقابت آزاد خواهد بود و برای اثبات این ادعا، موضعی است که در قبال منابع انرژی گرفته . ایالات متحده، بزرگترین صادر کننده هیدرو کربور در جهان می باشد ، و باید قیمت این منابع را بالا ببرد ، اما به اوپک - که کارتی بین دولتی است، معترض است، چرا که این سازمان خواهان پائین نگه داشتن قیمت سوخت می باشد .

■ ایالات متحده مخالف ساختار و پیمان های جهانی شدن می باشد (چه در ارتباط با نظر کاخ سفید و چه امپریالیزم فرا ملیتی) ، به خصوص آن چه که مربوط به شورای حقوق می باشد . به طور مسلم این کشور UNRWA بشر و دادگاه جنائی بین الملل و مسأله شکنجه را محق نمی داند (در حالی که در دوران بوش پسر، شکنجه، به صورت امری قانونی در آمده بود) ، همچنین طالب جنایت و گرسنه نگاه داشتن ملت فلسطین نیز نمی باشد . اما می خواهد سازمان هائی را از میان بردارد که با دستکاری اهداف ایالات متحده ، خواهان رسیدن به مقاصد خود می باشند .

■ در ارتباط با مسأله مهاجرت از امریکای لاتین به سمت ایالات متحده و امریکای جنوبی ، ایالات متحده می خواهد به این امر پایان دهد و مشکل را از ریشه حل کند . برای کاخ سفید ، تمام این مشکلات ناشی از قوانینی است که به موجب پیمان ها وضع شده به خصوص پیمان Alena . از این رو پرزیدنت ترامپ توانسته . پیمان جدیدی با مکزیک منعقد کند، طوری که صادرات را به حقوق اجتماعی کارگران پیوند می دهد. او می خواهد دکترین اولیه مونرو را به اجراء بگذارد :به طوری که سازمان های چند ملیتی نتوانند در حکومت قاره امریکا دخالت کنند .

اشاره به دکترین مونرو ، نیاز به توضیح دارد ، چرا که این نظریه به سلطه گری ایالات متحده در اوایل قرن بیستم اشاره می کند . دونالد ترامپ ، پیوسته سیاست خارجی دو شخصیت مورد منازعه را تحسین می کند: پرزیدنت اندرو جکسون (۱۸۲۷-۱۸۲۹) و ریچارد نیکسون (۱۹۶۹-۷۴) . دکترین مونرو (۱۸۲۳) : در زمانی نوشته شد که او ژنرال جکسون نامیده می شد و تازه به مستعمره فلوریدای اسپانیا وارد شده بود . در آن زمان ، جیمز مونرو ، قصد داشت قاره امریکا را در برابر امپریالیزم اروپا ، حفظ نماید . آن دوران به "دوران حسن نیت" معروف است . از این رو خود مسؤول عدم تداخل ایالات متحده در اروپا شد، به شرط آن که اروپائیان به دخالت های خود در امریکا پایان دهند . در ربع سوم قرن بعدی، با روی کار آمدن تئودور روزولت (۱۹۰۹-۱۹۰۱) ، دکترین مونرو به صورت سبوری در برابر امپریالیزم ایالات متحده بر امریکای لاتین در آمد .

دفاع از جهان کهن به وسیله امانوئل ماکرون و حسن روحانی

طی تغییرات عجیبی در نقش آفرینی ، پرزیدنت امانوئل ماکرون ، خود را به صورت بارک اوبامای اروپائی در برابر شارل دوگل ایالات متحده - دونالد ترمپ - معرفی کرد . و به طور نمادین به او اعلام جنگ نمود : "با کشورهای قدرتمندی که پیمان پاریس را رعایت نمی کنند ، هیچ قرار داد تجاری نخواهیم بست " - (این موضوع شامل ایالات متحده نیز می باشد) ؛ این دفاع عجیبی از چند جانبه گرائی است !.

رئیس جمهور فرانسه از مشاهدات ضمنی دونالد ترمپ شروع کرد : "نظم لیبرال وستفالی " کنونی [۲] . به مفهوم بحران ملت دولت ها ، تحت فشار جهانی شدن اقتصاد می باشد . اما ، برای مقابله با راه حل کاخ سفید ، آن را به قانون "قوی تر " نسبت داد . از این رو ، راه حل فرانسوی را پیش کشید که عبارت است از : ابتداء : احترام گذاشتن به حق حاکمیت که پایه منشور کشور فرانسه است - دوم : تحکیم بخشیدن به همکاری های متقابل منطقه ئی - سوم سهم تضمین های بین المللی محکم تر .

سپس سخنرانی او به طور منحنی واری با تجلیل شاعرانه ای پایان یافت . امانوئل ماکرون به سبک ریاکارانه نوجوانان ، به مرز اختلالات روان پریشی پیش رفت .

■ به طور مثال "در ارتباط با حق حاکمیت" ، اظهار داشت که نباید ما خود را به جای ملت سوریه قرار دهیم ، تا تصمیم بگیریم چه کسی باید در این کشور حکومت کند ... در عین حال به پرزیدنت اسد اجازه شرکت در انتخابات را نداد .

■ در ارتباط با تحکیم بخشیدن به همکاری های منطقه ئی ، به اتحادیه کشورهای افریقائی اشاره کرد که به عملیات ضد تروریستی فرانسه در ساحل همکاری می کنند . این در حالی است که تنها بخش زمینی طرح گسترده آفری-کوم را در بر می گیرد که ارتش ایالات متحده بخش هوائی آن را در اختیار دارد . اتحادیه افریقا ، دارای ارتش مستقلی نمی باشد ، و در عملیات استعمارگران شرکت می کند تا به آنها وجهه قانونی دهد . همچنین مبالغی که برای پیشرفت کشور ساحل سرمایه گذاری شده ، رئیس جمهور فرانسه ، آنها را به دالر برآورد می کند و نه به یورو ، و میان پروژه های واقعی افریقائی ، تا کمک های بیهوده خارجی برای به ظاهر پیشرفت این قاره ، تفاوتی نمی گذارد .

■ در ارتباط با "سهم تضمین های بین المللی محکم تر" ، او اعلام کرد : مبارزه علیه نابرابری ها در اجلاس جی ۷ بیارینتز ، ، کاملاً مشهود بوده است . در واقع ، او به تأیید نقش حاکمیت غرب بر جهان ، که شامل روسیه و چین نیز می باشد ، پرداخت . همچنین گفت : دورانی که یک کلوب کشور ثروتمندی بتواند به تنهایی برای تعادل در جهان تأثیر گذار باشد ، سر آمده ، ... همچنین رونوشتی از تصمیمات کشور های بزرگ غربی برای اجلاس عمومی آینده را عنوان کرد . در واقع : او اعلام کرد ، اجلاس جی ۷ باید به صورت موتور مبارزه با برخورد نابرابرانه ملل متحد باشد . پرزیدنت حسن روحانی نیز ، به طور کامل نحوه زیر پا گذاشتن اصول قوانین بین الملل از سوی کاخ سفید را بیان داشت [۳] .

او یادآوری نمود که قرار داد ۱+۵ از سوی شورای امنیت و بسیاری از سازمان های مدافع رأی ۲۲۳۱ ، مورد تأیید قرار گرفته است . سپس ایالات متحده در زمان دونالد ترمپ از این پیمان خارج شده است و امضای رئیس جمهور گذشته را نفی می کند ، که این مغایر اصول پیوسته اداره یک دولت می باشد . او همچنین تأکید نمود که مطابق با دوازده گزارش سازمان انرژی اتومی ، ایران پیوسته به تعهدات خود عمل کرده است . و از این که پرزیدنت ترمپ با تهدید اعلام کرده کسی نباید به رأی ملل متحد احترام بگذارد ، سخت برآشفته شد .

در ادامه بیانات خود یادآوری نمود ، ایران با صدام حسین ، طالبان و داعش پیش از ایالات متحده (که از آنها حمایت می کرده) ، مبارزه کرده است ؛ و نشان داد که ایالات متحده از مدت ها پیش منطق حقوق را زیر پا گذاشته و تنها حامی منافع پنهانی خود می باشد .

سرگنی لاوروف جهان پسا غرب را نشان می دهد

این مناظره ، در دفاع و یا علیه ایالات متحده نبوده است ، بلکه در دفاع و علیه دونالد ترمپ مطرح می شده ، و به دور دو محور اصلی جریان داشته :

❖ کاخ سفید ، سیستمی که به نخبگان اقتصادی بین المللی منافع بسیاری رسانید از میان برده .

❖ کاخ سفید ، حتا به ظاهر از حقوق بین الملل دفاع نمی کند (اشاره به حسن روحانی)

برای وزیر امور خارجه روسیه سرگنی لاوروف ، این مناظره، بسیاری از مشکلات عمیق را پنهان می کند . از یک سو ، ما شاهد تحکیم بخشی به اصول چندمرکزی نظم جهانی می باشیم ... خواسته ملت ها برای حفظ حق حاکمیت و مدل های پیشرفتی که با شاخص های ملی ، فرهنگی و مذهبی آنها هم خوانی داشته باشند . از سوی دیگر ، کشور های غربی خواهان حفظ "رهبری خود خوانده جهانی" می باشند و روند اهداف احقاق چند مرکزیتی را به کندی پیش می برند [۴] .

برای مسکو ، پرزیدنت ترمپ و ایالات متحده تنها مقصر به حساب نمی آیند ، بلکه تمام جهان غرب مقصر است . سرگنی لاوروف ، جنبه دوگانه عهد نامه مونیخ در سال (۱۹۳۸) را پیش کشید . در آن زمان ، فرانسه و انگلستان با المان و ایتالیا متحد شدند . البته این امر در افکار عمومی اروپای غربی به صورت بزلی و ضعف کشورهای فرانسه و انگلستان در برابر خواسته های نازی ها مطرح می شود ، اما در حافظه عمومی کشور روسیه به صورت قدم های سرنوشت سازی بوده که باعث آغاز جنگ دوم جهانی گردید . در حالی که تاریخ نگاران اروپای غربی قصد دارند نشان دهند چه کسی این تصمیم را گرفت ، و چه کسی از این حرکت دفاع کرد ، اما ، تاریخ نگاران روسی تنها یک مطلب را مشاهده می کنند : هیچ کس در اروپای غربی مسؤلیت اعمال خود را نپذیرفت .

سرگنی لاوروف ، در ادامه انتقادات خود ، روند زیر پا نهادن حقوق و حتا ساختارهای بین الملل را محکوم کرد . او در مشاهدات خود اعلام کرد که کشورهای غربی می خواهند ملت هائی را به رغم اراده خود ، وارد ائتلاف های نظامی کنند و به تهدید کشورهای برخاسته اند که هم پیمانان خود را انتخاب می کنند . این اشاره به موضوع جفری فلتن می باشد [۵] ، و اراده او برای کنترل مدیریت ملل متحد، و ایجاد مناظره میان دولت های عضو ، و ایجاد کنترل بر دبیر کل ملل متحد .

اوبه تمامی تلاش های بیهوده ای که طی پنجاه سال برای محاصره کوبا از سوی ایالات متحده صورت گرفت ، اشاره کرد . همچنین از اراده انگلستان برای قضاوت و محکوم کردن - بدون تشکیل دادگاه - و تنها با لفاظی و اشاره به "احتمالات قوی" را محکوم کرد .

سرگنی لاوروف ، در نتیجه گیری خود نشان داد که بی نظمی کشورهای غربی نمی تواند مانع همکاری و پیشرفت سایر کشورها گردد و به همکاری اوراسیا بزرگ اشاره کرد که در جلسه والدای در سال ۲۰۱۶ توسط پرزیدنت پوتین مطرح شده بود برای آن که بتواند به صورت کمر بندی برای پروژه جاده ابریشم پرزیدنت شی باشد . این طرح که در ابتداء از سوی چین مورد استقبال قرار گرفت ، هم اکنون از سوی سازمان تعهد ایجاد امنیت همگانی ، اتحاد اقتصادی

اورآسیا ، جماعت دولت های مستقل ، بریکس ، و سازمان همکاری شانگهای به اجراء در آمده است . و تمام پیشنهادات ضد آن توسط استرالیا ، جاپان و اتحادیه اورپا ، پیش از عملی شدن ساقط شده اند .

در حالی که مسؤولین غربی ، طبق عادت همیشگی دوست دارند پروژه های خود را از پیش اعلام کنند ، دیپلمات های روسی تنها زمانی از پروژه های خود سخن می گویند که آغاز آنها کلید خورده و مطمئن اند که می توانند آنها را به پایان برسانند .

خلاصه آن که ، ستراتیژی محدود کردن روسیه و چین ، که توسط نماینده مجلس انگلستان هالفورد جی. ماک کیندر تصور شده [۴] ، و شرح آن از سوی مشاور ملی و امنیتی ایالات متحده زبینیو برژنسکی آمده [۷] به شکست منتهی شده است . مرکز ثقل جهان به سمت شرق در حرکت است و این علیه دولت های غربی نمی باشد ، بلکه به خاطر اشتباهی است که آنها مرتکب شده اند [۸] .

ولید معلم ، وزیر امور خارجه سوریه ، با نتیجه گیری عملی از این ، بررسی ها ، در تریبون اجلاس عمومی ملل متحد، خواستار عقب نشینی بی درنگ تمام نظامیان اشغال گر ایالات متحده ، فرانسه و ترکیه شد [۹] .

مراجعات:

[۱] ["Remarks by Donald Trump to the 73rd Session of the United Nations General Assembly"](#) by ,September 2018 ۲۵ ,Voltaire Network ,Donald Trump

[۲] [« Discours d'Emmanuel Macron devant la 73e séance de l'Assemblée générale des Nations unies »](#) ,septembre 2018 ۲۵ ,Réseau Voltaire ,par Emmanuel Macron

[۳] ["Remarks by Hassan Rohani to the 73rd Session of the United Nations General Assembly"](#) by ,September 2018 ۲۵ ,Voltaire Network ,Hassan Rohani

[۴] ["Remarks by Sergey Lavrov to the 73rd Session of the United Nations General Assembly"](#) by ,September 2018 ۲۸ ,Voltaire Network ,Sergey Lavrov

[۵] "المان و سازمان ملل متحد علیه سوریه" ، بوسیله تی یری میسان، ترجمه حمید محوی، (Al-Watan (Syrie) ، شبکه ولتر، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶ ، [www.voltairenet.org/article1](http://www.voltairenet.org/article1...) , « [Comment l'administration de l'Onu organise la guerre](#) » ,par janvier 2016 et 3 septembre 2018 ۲۸ ,Réseau Voltaire ,Thierry Meyssan

[۶] "The geographical pivot of history" , Halford J. Mackinder" , ۱۹۰۴ , ۲۳ , pp. 421-37

[۷] Zbigniew Brzezinski, *The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives* [۷] Basic Books. 1997

[۸] ["The Geopolitics of American Global Decline"](#) ,by Alfred McCoy , (USA) Tom Dispatch ,by Alfred McCoy , June 2015 ۲۲ ,Network

[۹] ["Remarks by Walid Al-Moualem to the 73rd Session of the United Nations General Assembly"](#) by ,September 2018 ۲۹ ,Voltaire Network ,Walid Al-Moualem